

گفت‌وگو با جفري آدامز سفير بریتانیا در تهران؛ به آینده روابط خوشبینم



سرگه بارسقیان

وقتی می‌گویند در ایران بر اظهارنظرهای مقامات بریتانیایی بیشتر تمرکز می‌شود و علت اینکه ما در آنجا نشسته‌ایم هم موضوع همین است، دستش را به دیوار پشت سر می‌کوبد و می‌گوید: «تاریخ دلیل آن است.» دیوار عمارت ۱۳۸ ساله سفارت بریتانیا که پشت آن تالاری است که کنفرانس تهران با شرکت چرچیل، استالین و روزولت ۶۵ سال پیش در آنجا برگزار شده و هنوز هم روی دیوار، نقشه میز شام و ترتیب نشستن میهمانان در پشت آن وجود دارد.

روبه‌روی بالکنی که گفت‌وگو در آن انجام شد، باغی است که صد سال پیش مشروطه‌خواهان در آنجا تحصن کرده‌اند و کاشی‌هایی که از آن زمان به یادگار مانده و روی آن اشعار حافظ و این بیت که «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا» نقش بسته، به دستور سفیر مرمت شده و روی دیوار نصب شده است. علاقه جفري آدامز، سفير ۵۱ ساله بریتانیا در تهران به تاریخ و فرهنگ ایران به حدی است که کنار عمارت قدیمی سفارتخانه، تخت‌هایی به سبک ایرانی‌ها برای نشستن گذاشته و از خانم میترا بهنام‌مجتهدی، مسوول ارشد بخش امور رسانه‌ای و ارتباطات سفارت بریتانیا می‌خواهد ما را به بازدید از باغ سفارت و عمارت قدیمی آن ببرد. علاقه آدامز که فارغ التحصیل رشته تاریخ اسلام و سیاست خاورمیانه از دانشگاه آکسفورد است و همسرش <مري اما> نویسنده و دارای مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات ایتالیایی، به ایران چنان است که آنها در طول مدت اقامتشان (از ۱۲ فروردین ۱۳۸۵) به شهرهای مختلف ایران سفر کرده و با مردمان و آداب رسوم آنان آشنا شده‌اند. خانواده آدامز (جفري و مري اما و سه فرزندشان آکساندر ۷ ساله، ایزابل ۵ ساله و پاتریک ۳ ساله) از بودن در ایران بسیار خرسندند.

جفري آدامز در کشورهای مختلفی از جمله عربستان سعودی، فرانسه، آفریقای جنوبی و مصر خدمت کرده است. وی پیش از آنکه دستیار ویژه دفتر شخصی جک استراو، وزیر خارجه اسبق بریتانیا شود، کنسول کل بریتانیا در بیت‌المقدس بود و مسوولیت روابط بریتانیا با مردم فلسطین را بر عهده داشت. آدامز به فارسی می‌گوید: «ایرانی‌ها می‌گویند زیر سر انگلیسی‌هاست» و علی‌رغم فراز و نشیب‌های سیاسی بسیار و رخدادهای اخیر در روابط تهران و لندن به آینده روابط خوشبین است؛ اما آنجا که به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌رسد از اقدام کشورش ابراز ناراحتی می‌کند و می‌گوید این بخش از تاریخ قابل دفاع نیست ولی مساله پرونده هسته‌ای ایران، مساله‌ای سیاسی و قابل حل است.

جناب سفير! آقای علي کردان وزیر کشور جمهوری اسلامی گفته «حتما در يك مقطع مناسب فعالیت چهار ماهه سفير انگلیس در تهران، با بررسی همه جوانب امنیتی و اطلاعاتی به اطلاع همه مردم ایران خواهد رسید که در طول این چهار ماه در تهران چه کرده است؟» این حرف يك وزیر مهم در کابینه دولت و يك موضع رسمی است. چه اتفاقی افتاده که می‌خواهند گزارش فعالیت شما را به اطلاع عموم برسانند؟

در چند ماه گذشته من به فعالیت‌های دیپلماتیک خود ادامه داده‌ام، درست همانگونه که دوست و همکار من آقای موحدیان عطار، سفير ایران در لندن مشغول فعالیت‌های دیپلماتیک خودشان هستند.

اما نمایندگان مجلس بالاخص اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی خواستار کاهش سطح روابط دیپلماتیک بین ایران و بریتانیا هستند و حتی به سفیر ایران در لندن گفته‌اند چه ضرورتی بر حفظ سطح روابط در حد سفیر است. شما تصور می‌کنید اتفاقی در حال وقوع است؟

ایران و بریتانیا دو کشور مهم بوده و نیازمند داشتن روابط کاری فعال و جدی هستند. به همین دلیل است که من در تهران هستم و آقای موحیدیان در لندن. من از اینجا خیلی هم خوشم می‌آید.

ولی ظاهراً تیر اول را شما پرتاب کرده‌اید. پیش از آنکه نمایندگان مجلس ایران خواستار تجدیدنظر در سطح روابط تهران- لندن شوند، این سفارت بریتانیا بود که فعالیت بخش تجاری خود را کاهش داد و حتی روزنامه فایننشال تایمز خبر داد که دبیر اول امور تجاری و اقتصادی سفارت بریتانیا ایران را ترک خواهد کرد.

آنچه به آن اشاره می‌کنید تصمیم طرف بریتانیایی است که ارتباطهای تجاری با ایران را تشویق نمی‌کند و این امر منجر به کاهش حجم روابط فعالیت‌های تجاری بین دو کشور شده است. ولی من تصور نمی‌کنم این سوال را بتوان به سطح نمایندگی و حضورمان در تهران یا اهمیتی که دولت بریتانیا برای ارتباط با ایران قائل است، پیوند داد.

دوره مسوولیت دیپلماتیک شما اوایل بهار سال آینده به پایان می‌رسد. فکر می‌کنید تا آن زمان بتوانید سطح روابط را در این حد حفظ کنید؟

اگر به تاریخ روابط ایران و بریتانیا نگاه کنید، می‌بینید همواره فرازونشیب‌هایی در آن وجود داشته و چند سال گذشته هم از این قاعده مستثنی نبوده است. ولی آنچه من را ناراحت می‌کند، اثرگذاری وقایعی است که مبتنی بر سوءتفاهمات است. وقتی افراد به سطح روابط اشاره می‌کنند، متأسفانه این خطر وجود دارد که مسائل گیج‌کننده باشد چرا که بعضاً راجع به دو مقوله مختلف صحبت می‌شود. کاملاً می‌پذیرم که دولت بریتانیا اختلافاتی سیاسی با دولت ایران دارد که مساله هسته‌ای یکی از آنها است، ولی ما این اختلاف نظر را از کانال‌های دیپلماتیک، که شغل ماست، مدیریت می‌کنیم. آنگونه که می‌بینیم مساله هسته‌ای به هیچ وجه مشکل دو جانبه‌ای بین ایران و بریتانیا نیست، بلکه مساله‌ای است بین ایران و جامعه جهانی. بریتانیا یک عضو فعال گروه ۳ کشور اروپایی (آلمان، فرانسه، بریتانیا، چین، روسیه و ایالات متحده) است. علاقه‌مندم یادآوری کنم ۳۳۳ مساوی ۶ است. بعضی وقت‌ها مردم می‌گویند: <زیر سر انگلیسی‌هاست.> (به فارسی) ولی حقیقت این است که ما تنها یک کشور در بین دیگر کشورها هستیم. دلیل ناراحت‌کننده بودن برخی مسائل این است که بسیاری از موضوعات منشاء سیاسی ندارند. به عنوان مثال یکی از مسائلی که موجب نگرانی ایران شده خروج نام سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریستی در بریتانیا است. اما این مساله‌ای حقوقی و قضایی است و اتفاقاً بین دو دولت ایران و بریتانیا زمینه‌های مشترک فراوانی در این باره وجود دارد. دولت بریتانیا این سازمان را تروریستی می‌دانست، آنها پرونده خود را به یک دادگاه بردند و قضات آن دادگاه با دلایل مشخص برای خودشان، چنین تصمیمی گرفتند. دولت بریتانیا با این تصمیم موافق نبود اما هیچ گزینه دیگری نداشت جز اینکه این تصمیم را اجرا کند. هر کس که بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی را می‌شناسد می‌داند که اینها مسائلی است که مکرراً اتفاق می‌افتد؛ به عبارت دیگر گاهی دادگاهی قادر است تصمیم یک دولت را زیر پا بگذارد. حقیقتی که کوشش کردم به همکاران ایرانی خود بگویم این بود که هیچ تصمیم سیاسی‌ای پشت این قضیه نیست.

آزادی <فوزی بدایونی‌نژاد> گروگانگیر سفارت ایران در لندن در سال ۱۹۸۰ هم موجب نگرانی ایران شده و شما به این خاطر به وزارت خارجه ایران احضار شدید. برای این نگرانی ایرانی‌ها چه پاسخی دارید؟

این مورد تروریستی بود به نام بدایونی‌نژاد که در اشغال سفارت ایران در سال ۱۹۸۰ در لندن همکاری داشت. اخیراً به وی حکم تعلیقی داده شده است. بسیار اهمیت دارد که تمامی حقایق را در این مورد بدانیم. این فرد زمانی که اشغال سفارت ایران با دخالت نیروهای امنیتی بریتانیا به پایان رسید، دستگیر و به دادگاه سپرده شد که دادگاه ۵ بار برای او حکم حبس ابد صادر کرد ولی در قانون بریتانیا وقتی فردی محکوم به حبس ابد می‌شود به معنای آن نیست که تمام عمر خود را در زندان سپری کند. قاضی تصمیم می‌گیرد که حداقل سال‌های حبس او چقدر باشد. در مورد بدایونی‌نژاد قاضی ۲۲ سال حبس را اعلام کرد؛ یعنی او پس از ۲۲ سال این شرایط را داشت که از کمیته حبس تعلیقی، آزادی مشروط خود را درخواست کند. تاکید می‌کنم این به هیچ‌وجه مترادف با عفو نیست. پس از ۲۲ سال او درخواست آزادی مشروط را ارائه داد. کمیته مربوطه سالی یک بار جلسه تشکیل می‌داد تا درخواست وی را بررسی کند. این کمیته متشکل از متخصصان کیفری و جنایی است که به هیچ وجه ارتباطی با دولت بریتانیا ندارند. تنها پرسش این بود که اگر این فرد از زندان به خانه‌ای تحت مراقبت منتقل شود، تهدیدی برای جامعه خواهد بود یا خیر؟ پس از ۶ سال که به‌طور ممتد درخواست او مورد بررسی قرار گرفت به این نتیجه رسیدند که خروج وی از زندان خطری به همراه ندارد. آنچه مقرر شده آن است که بدایونی‌نژاد می‌تواند در خانه تحت شرایط خاص زندگی کند اما محدودیت‌هایی برای مکان‌هایی که

می‌خواهد برود و کارهایی که می‌خواهد انجام دهد وجود دارد. او به هیچ وجه نباید حتی به نزدیکی سفارت ایران در لندن برود و اگر از شرایط مقرر شده سرپیچی کند بلافاصله به زندان بازگردانده می‌شود. این مساله به هیچ‌وجه منعکس‌کننده يك پیام سياسي براي ايران نيست بلکه روند فني و قضايي بوده و هيچ زاويه سياسي در آن وجود ندارد. همین مساله دقیقاً به همین گونه در مورد سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق نیز صدق می‌کند. اینها همگی مواردی قضایی و غیرسیاسی هستند، بدون آن که نمایانگر هیچ پیام سیاسی‌ای از سوی دولت بریتانیا برای دولت ایران باشند. اگر بخواهیم پرونده‌های حقوقی مفتوح اختلاف‌برانگیز بین ایران و بریتانیا را برشماریم یکی هم پرونده آقای نصرت‌الله تاجیک سفیر سابق ایران در اردن است که در بریتانیا به اتهام خرید دوربین‌های دید در شب بازداشت شده و قرار است به آمریکا مسترد شود. اخیراً در تایلند یکی از افسران ارشد نیروی هوایی ایران که به اتهام تلاش برای خریداری ابزارهای هدایت‌کننده موشک برای ایران بازداشت بود، آزاد شد. تایلندی‌ها به این دلیل این افسر ایرانی را آزاد کردند که احتمال می‌رفت اگر او را در اختیار ایالات متحده قرار دهند، برای در اختیار گذاشتن اطلاعات محرمانه فعالیت‌های نظامی ایران، از سوی آمریکایی‌ها تحت شکنجه قرار گیرد. چین هم در بهار سال گذشته يك ایرانی متهم به خریداری قطعات جت‌های جنگنده آمریکایی برای انتقال به ایران را از بند آزاد کرد. او هنگامی که ایالات متحده خواستار انتقال آن متهم به آمریکا شد از سوی مقامات پکن آزاد شد.

پس چرا با وجود وضعیت وخیم جسمانی تاجیک و احتمال آسیب به وی در صورت تحویل دادن به آمریکا، همچنان حکم استرداد وی پابرجاست و اگر دولت لندن دخالتی در این پرونده قضایی همچون دیگر پرونده‌ها ندارد، چرا وزیر کشور بریتانیا در حال بررسی مدارک پزشکی تاجیک است؟

کاملاً درست است، مساله آقای تاجیک هم يك مورد قضايي است. مورد ایشان با موارد دیگر در تایلند و چین متفاوت است؛ به دلیلی بسیار مهم و آن اینکه پرونده ایشان بر اساس قوانین بریتانیا بررسی می‌شود و نه قوانین تایلند و چین؛ به‌ویژه بر اساس قانون استرداد مجرمان بین ایالات متحده و بریتانیا. آنها قوانین خود را دارند و در قانون ما هم مشخص است که چگونه باید این استرداد انجام شود و مقامات مختلف و از جمله وزیر کشور که اشاره کردید، این مساله را بررسی می‌کنند تا حقوق فردی وی مورد خدشه قرار نگیرد. در حال حاضر در این مقطع به سر می‌بریم. آنگونه که به همکاران ایرانی منعکس کردم لازم نیست به حرف من توجه کنید بلکه به قانون بریتانیا نگاهی بیندازید. بنابراین در این مورد هم همچون دو مورد قبلی هر تصمیمی گرفته شود به منزله این نیست که دولت بریتانیا درصدد ارسال پیام سیاسی به ایران است.

گفتید که بریتانیا یکی از اعضای ۳۳۳ یا همان ۵۵۱ است؛ در پرونده هسته‌ای یکی از طرفین ایران است و مساله دوجانبه نیست. اما مقامات لندن درصدد تحریم صنعت نفت و گاز ایران هستند و این موضعی است که دیگران نه اعلام و نه از آن حمایت کرده‌اند. گوردون براون، نخست‌وزیر بریتانیا چه در سخنرانی سالانه خود در تشریح سیاست خارجی دولت و چه در دیدار با جورج بوش و نیز دیوید میلیبند وزیر خارجه گفته‌اند تحریم صنعت نفت و گاز راهی است برای وادار کردن تهران به تعلیق غنی‌سازی اورانیوم. پس تحریم صنعت نفت و گاز مساله‌ای است که فقط بریتانیا در پی آن است.

نخست‌وزیر بریتانیا به احتمال تحریم صنعت نفت و گاز اشاره کرده است. تصور می‌کنم وی به این مساله چنین نگاه می‌کند. ما به ایران <توقف در برابر توقف> را پیشنهاد دادیم که راهی است برای رسیدن به مذاکرات. معنای آن این است که ایران توسعه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند و جامعه بین‌الملل نیز اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را متوقف خواهند کرد. به‌واقع ایران در این فرمول می‌تواند به غنی‌سازی در همین سطحی که در آن قرار دارد ادامه دهد. برای همین هم هست که امیدوار هستیم طرف ایرانی این پیشنهاد خوب و جالب را بپذیرد و با ما به گفت‌وگو بنشیند. ولی منطقی‌تر این پیشنهاد روند جاری ادامه پیدا می‌کند. تا توافق بر سر توقف در برابر توقف، ما به کار خود ادامه می‌دهیم و تحریم‌ها در دستور کار جامعه بین‌المللی باقی می‌ماند. اگر تماس‌های جاری بین آقایان جلیلی و سولانا به بازگشایی باب مذاکره بینجامد، عملاً فضای ما دچار تغییری انقلابی می‌شود و ما می‌توانیم از تحریم‌ها فاصله بگیریم.

تحریم شعبه‌های اروپایی بانک ملی ایران هم یکی از مواردی است که بریتانیا در آن نقش کلیدی داشت و حتی بانک ملی شعبه لندن نسبت به این حکم شکایت کرد. آیا به این شکایت رسیدگی شده و تلاش‌هایی برای رفع محدودیت‌ها در جریان است؟

به آنچه اعلام شده نمی‌توانم نکته جدیدی اضافه کنم. تحریم‌های متفاوتی وجود دارد؛ برخی به دنبال قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل اعمال شده و برخی از تحریم‌های دیگر نیز از تصمیم‌های ملی منبعت می‌شوند. آمریکا گستره بزرگی

از اقدامات را هدایت می‌کند ولی فراموش نکنید برخی تصمیم‌ها از سوی خود شرکت‌ها به صورت مستقل اتخاذ می‌شود. تعدادی از شرکت‌ها به طور مستقل به این نتیجه رسیدند که ادامه همکاری تجاری با ایران در این شرایط ارزش زحماتی که باید متحمل شوند را ندارد. برای از میان برداشتن این دشواری‌ها باید مساله هسته‌ای را حل کنیم. با حل مساله هسته‌ای ارتباط ایران با جهان دچار تغییر شکل می‌شود. اطمینان قاطع داریم به محض اینکه قفل مذاکره باز شود، محدودیت‌ها از بین می‌رود و این به نفع هر دو طرف است.

اما جناب سفیر! داستان بریتانیا در پرونده هسته‌ای داستان مجزایی است. علی‌رغم اینکه آلمان و فرانسه هم در تلاشند اروپایی‌ها را ترغیب کنند تا تحریم‌هایی فراتر از شورای امنیت علیه ایران اعمال شود، اما باز هم بریتانیایی‌ها مورد بیشترین انتقادهای مقامات ایرانی قرار می‌گیرند. آقای احمدی‌نژاد گفته بود: <در مذاکرات ژنو نماینده استعمار پیر (بریتانیا) پای خود را بیش از گلیمش و زبانش را بیش از اندازه دراز کرد که نماینده شجاع ملت ایران با منطق جوابش را داد، البته نماینده آمریکا متین سخنانش را مطرح کرد و احترام ملت ایران را نگه داشت که این یک گام مثبت بود.> موحدیان عطار، سفیر ایران در لندن می‌گوید بریتانیا اعتقادی به مذاکرات هسته‌ای ندارد و... چرا هنوز زیر سر انگلیسی‌هاست؟

نمی‌دانم، (فارسی) این سوال جالبی است. من تمام وقت این سوال را از خودم می‌پرسم. حقیقت این است که مواضع سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) در مساله هسته‌ای یکسان است و کاملاً به ادامه مذاکرات متعهد هستیم. این موضع تمام کشورهای ۳۳۳ است. ولی درست می‌گویید در ایران بر اظهار نظرهای مقامات بریتانیایی بیشتر تمرکز می‌شود تا آلمانی و فرانسوی، دلیل آن هم تاریخ است. همان که می‌گویند <کار، کار انگلیس است.> (به فارسی) ما تاریخ را به دوش می‌کشیم، هیچ‌کس نمی‌گوید کار، کار فرانسه است یا آلمان است. این محصول تاریخ است. به همین دلیل از روزی که به ایران آمدم گفتم باید بپذیریم رفتار ما در گذشته، به این روش و منش منفي نسبت به ما انجامیده است. دو سال و نیم قبل، هنگام تقدیم استوارنامه‌ام این مطلب را به رئیس‌جمهور ایران هم گفتم. در نگاه به تاریخ نباید سعی کنیم از آن دفاع کنیم. اگر به موضوع مهم کودتای آگوست ۱۹۵۳ ۲۸۸ مرداد ۱۳۳۲) نگاه کنیم که بریتانیا در آن نقش داشته، من حتی یک لحظه از این اتفاق دفاع نمی‌کنم و نسبت به آن احساس تاسف دارم. از کاری که کشورم کرد احساس غرور نمی‌کنم. اما نکته کلیدی برای من آن است که در آن زمان من اصلاً به دنیا نیامده بودم! نکته مهم تفاوت تاریخ و سیاست است. برای من کودتای ۱۹۵۳ الان جزو تاریخ است اما مساله هسته‌ای، مساله سیاسی این روزها است. نمی‌خواهم ادعا کنم که سیاست امروز تحت‌تأثیر تاریخ قرار نگرفته بلکه آنچه می‌خواهم بگویم این است که ایران و بریتانیا نیازمند رابطه‌ای هستند که نگاهش به آینده باشد نه گذشته. نباید در بند تاریخ قرار بگیریم. باید به شیوه‌ای هدفمند و صادقانه به تاریخ نگاه کرده و سعی کنیم به سوی آینده پیش رویم. من فکر می‌کنم این چیزی است که مردمان ما شایستگی‌اش را دارند.

در گفت‌وگویی که با سرریچارد دالتون، سفیر سابق بریتانیا در تهران داشتم و در روزنامه اعتماد ملی منتشر شد، وی نیز از اقدامات لندن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اظهار تاسف کرد و خوشحالم که بار دیگر این موضع را از زبان سفیر فعلی می‌شنوم. اما حال که صحبت به تاریخ کشیده شد، باغ قلهک هم یکی از آن موارد تاریخی است که البته امروز جزو سیاست است. با باغ قلهک چه می‌کنید؟ پس می‌دهید یا مصمم هستید همچنان برای در اختیار داشتن آن پافشاری کنید؟

باغ قلهک متعلق به سفارت بریتانیا است اما من آن را به عنوان بخشی از میراث مشترک ایران و بریتانیا می‌شناسم. مسوولیت من این است که از آن به خوبی نگهداری نمایم و به نفع روابط لندن و تهران از آن استفاده کنم. تصور می‌کنم باید از میراث تاریخی استفاده کرد و از آن لذت برد. تاریخ فقط بار زحمت‌آور نیست، گاهی می‌شود از آن لذت برد. این خوشبینی مصرانه من است.

یکی از سوالاتی که ذهن بسیاری از تحلیلگران غربی را به خود مشغول کرده این است که قطعنامه‌های شورای امنیت یکی پس از دیگری صادر می‌شود، در حالی که تهران همچنان حاضر به تعلیق غنی‌سازی اورانیوم نیست. این روند صدور قطعنامه چه سقف زمانی و آستانه فشاری دارد؟ آیا احتمال دارد با این قطعنامه‌ها و عدم اجابت خواسته‌ها از سوی تهران، احتمال تهدید نظامی ایران یا حمله آمریکا و اسرائیل به ایران قوت گیرد؟

دیوید میلیبند، وزیر خارجه بریتانیا ماه گذشته مقاله‌ای در مورد مساله هسته‌ای ایران نوشت، من آن را نوشتم اما مقاله بسیار خوبی بود. او گفت ما ناچاریم دیپلماسی را به‌کار بگیریم تا نتیجه بدهد؛ مجبوریم چرا که روی گزینه دیگری به هیچوجه نباید فکر شود. پاسخ من به پرسش شما این است که رامحل مساله در مذاکره است. گاهی مواقع این مذاکرات می‌تواند رنج‌آور و دشوار باشد، دو طرف باید پیشنهاد را روی میز بگذارند و درباره آن گفت‌وگو کنند. راستش، هرچند گاهی وقت‌ها برخی افراد نسبت به حل مساله هسته‌ای ایران بدبین هستند اما من کاملاً خوشبینم. من در کار دیپلماتیک با

مسائل بسیار دشوارتری سروکار داشتیم؛ پایان رژیم نژادپرستی آفریقای جنوبی و منازعه فلسطینیان و اسرائیلی‌ها بر سر مساله زمین‌ها. این مسائل در مقایسه با مساله هسته‌ای ایران بسیار دشوارتر به نظر می‌رسند. مساله هسته‌ای ایران هیچ ارتباطی با دین ندارد، با مالکیت بر زمین‌ها و اینکه چه کسی مسوول آنها باشد هم مشابهتی ندارد. هیچ ارتباطی با اینکه کدام کشور، دیگری را کنترل کند هم ندارد. در مساله هسته‌ای توافق بین دو طرف نکته اساسی است. ایران می‌گوید ما سلاح هسته‌ای نمی‌خواهیم، ما هم می‌گوییم خیلی خوب، موافقیم. در مورد این مساله اساسی توافق وجود دارد. وقتی شما مساله هسته‌ای را با مسائل دیگر دنیا مقایسه کنید می‌بینید قابل حل است. پس بیایید حلش کنیم!

این امیدواری شما به ایجاد گشایشی در مساله هسته‌ای ایران، برخاسته از خبرهایی است که در راه است؟ یا در روابط ایران و بریتانیا روزه‌های جدیدی باز می‌شود؟

اساساً درباره آینده روابط ایران و بریتانیا خوشبینم و دلیل آن این است که اگر مسائل سیاسی را کنار بگذاریم پیوندهای بی‌شماری وجود دارند که ذکر از آنها به میان نمی‌آید. در بریتانیا احترام بسیار عمیقی نسبت به ایران وجود دارد. هیچ‌کس در بریتانیا خواستار جنگ با ایران نیست. بریتانیایی‌ها وقتی به ایران سفر می‌کنند عاشق این کشور می‌شوند. سال گذشته این سفارتخانه ۴۱ هزار ویزا برای ایرانیان صادر کرد که خواستار سفر به بریتانیا بودند. آنها یا دانشجوی بودند که برای تحصیل، یا تاجر بودند که برای تجارت یا گردشگرانی بودند که برای خرید از خیابان آکسفورد به بریتانیا می‌رفتند؛ تمام پیوندها برقرار است بدون دخالت هیچ یک از دو دولت. نتیجه اینکه پس از ۲/۵ سال علی‌رغم تمام فراز و نشیب‌های سیاسی می‌بینیم ارتباطات فرهنگی و اجتماعی با قدرت وجود دارد و ادامه پیدا می‌کند. نسبت به آینده روابط بسیار مطمئن هستیم.

روزنا - وب سایت اطلاع رسانی اعتماد ملی // www.roozna.com

منبع: اعتماد ملی